حائر

ماهنامه فرهنگی اجتماعی
استان یزد و شهرستان میبد
سال دوم/ شماره یازدهم
شهریور ۱۳۹۸
۴ صفحه
ثبت آگهی: ۰۹۱۶۲۶۰۷۵۷۱
سایت: Meybodema.ir
کانال‌های «سروش، بله و تلگرام»
@meybodema
کانال‌های «اینستاگرام و ایتا»
@meybode_ma

آیا می‌توان مردم را نسبت به چیزی که بد نمی‌دانند، نهی کرد؟

تابلوی اردوگاه بنستان حتماً تعویض شود

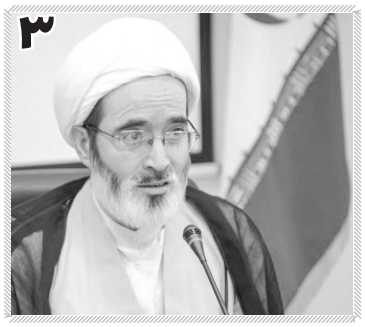

لازمه تحقق امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، اجرای شایسته آن است

«قانون تسهیل ازدواج جوانان» یا «ورود زنان به ورزشگاه ها» ؟!

سرمقاله؛
دکتر سیدمصطفی میرمحمدی
مدیرمسئول ماهنامه حائر

ورود بانوان به ورزشگاهها جهت تماشای دیدارهای آقایان دغدغه حتی یک صدم درصد از دختران و زنان این سرزمین هم نیست اما برخلاف آن، "ازدواج" و تسهیل در هزینه‌های کمرشکن حول آن دغدغه اکثریت قاطع جوانان (و نه فقط بانوان) و حتی خانواده‌هایشان است.

اما جالب است که دولت در موضوع اول خود را به آب و آتش می‌زند و (علی‌الظاهر) خود را حامی ورود زنان به ورزشگاهها معرفی می‌کند اما در موضوع دوم به طرز بسیار حیرت‌انگیزی یک قانون بسیار مهم و راهبردی را خیلی شیک و مجلسی مسکوت گذاشته است و ککش هم نمی‌گزد!

به طور مثال معاون حقوقی رییس‌جمهور احساس تکلیف می‌کند تا با رسانه‌ها مصاحبه کند و ورود زنان به ورزشگاهها در حین بازی آقایان را فاقد منع حقوقی معرفی کند اما وقتی نوبت به مساله عدم اجرای "قانون تسهیل ازدواج جوانان" که چهارده سال ازتصویبش می‌گذرد، می‌رسد به کلی زبان به کام می‌کشد؛ قانونی که جنبه‌های مختلف ازدواج جوانان از مسکن و وام اشتغال گرفته تا سربازی و حتی سالن عروسی زوج‌ها را پیش‌بینی کرده است.

بله! امروز یک قانون مصوب مجلس داریم که اتفاقا به دغدغه اکثریت جوانان کشور پاسخ داده و حتی چندبار اجرای همین قانون خاص مورد تاکید ویژه رهبری قرار گرفته (از جمله بهمن پارسال) اما دولت خیلی روشن و آشکار آن را اجرا نمی‌کند و حتی اینقدر درگیر حواشی است که حاضر نیست پس از سپری شدن ۱۴ سال از تصویب این قانون آیین‌نامه اجرایی‌اش را بنویسد یا لااقل لایحه اصلاحیه به مجلس بفرستد!

جالب اینکه دوسال قبل کارد به استخوان رسید و همین مجلس حامی دولت وفق ماده ۲۳۴ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس از این قانون‌شکنی آشکار دولت به قوه‌قضاییه شکایت برد اما از آن روز تا امروز رسیدگی قضایی خاصی به این مساله گزارش نشده است.

خیلی خوب پازل را چیده‌اند؛ ما دختر آبی و کنسرت و استادیوم را تبدیل به مساله عموم دختران و پسران این کشور می‌کنیم تا مساله اصلی همین دختران و پسران موقتا به فراموشی سپرده شود و گریبان ما تا حاشیه بعدی رها بماند و اتفاقا خودمان سوار بر حاشیه فعلی، جلودار همان دختران و پسران بشویم و به آنها بگوییم ما طرفدار شماییم اما نمی‌گذارند برایتان کاری کنیم.

پرخشه‌هایی از زبان فارسی؛ وندپژوهی «پ»

دکتر ابوالفضل امامی میبدی
دبیر ادبیات فارسی مجتمع شهید باهنر در رم/ ایتالیا

پَرخشَه هایی از زبان فارسی/ وندپژوهی
بخش سوم/ پسوند «ال»

در برابر جنگ جهانی واژگان بیگانه، فارسی مقاوم است! دوستش بداریم و با آن دست بدهیم! در وندپژوهی یک، به پیشوند «چم» پرداختیم و در وندپژوهی دوم به پیشوند «پ».

«ال» یکی از پسوندهای با شخصیت و ویژه زبان فارسی است که نوعی معنای همراهی یا فاعلی دارد:
۱, رفتن، برو، رو + ال = روال
۲, پوشیدن، بپوش، پوش + ال = پوشال
۳, کشیدن، بکش، کش + ال = کشال، کشاله
۴, جُوییدن، بجو، جو+ال = جُوال (جوال دوز) جوال پارچه بزرگی است که برای جستن هیزم یا ... با خود می برند و جُسته ها را در آن می نهادند.
۵, کندن، بکن، کن + ال = کنال (کنده شده) بنابراین می توانید با خیال راحت واژه «کَنال» را برای محیط مجازی خاص خود به کار برید و نگران بیگانه بودن این واژه نباشید.
۶, تپیدن، بتپ، تپ + ال= تپال، تپاله (آنچه که در خاک می تپد؛ مانند فضولات گاو).
۷, نهادن، بنه، نه + ال= نِهال
۸, تفیدن، بتف، تف + ال = تفال، تفاله
۹, دویدن، بدو، دو، دوال، یعنی یک لایه ماهیچه که عامل دویدن است. یا تسمه و بندی که هنگام دویدن به کمر خود یا اسب می بندند.
۱۰, چنگیدن، (چنگ زدن) احتمالا ریشه اصلی جنگیدن بوده است. بچنگ، چنگ + ال = چنگال.
۱۱, کوبیدن، کوب (کوپ) + ال= کوپال
۱۲, خلیدن: بخل، خل + ال = خلال؛ بنابراین خلال دندان، نخست این که «خَلال» است نه «خِلال» و دوم، به معنای چیزی که با آن دندان را می خلند نه این که خلال عربی و به معنای میان باشد.

تجلیل از خیّرین مدرسه ساز
جلسه۶۶۳ تاریخ۱۳۸۰/۳/۳۱ – شماره ابلاغ۱۲۰/۷۹۰/۸تاریخ۱۳۸۰/۴/۳

به منظو تجلیل از اشخاص خیّری که مبادرت به احداث فضای آموزشی می‌کنند، شورای عالی آموزش و پرورش با موارد زیر موافقت می‌کند:
۱- نام مدرسه با رعایت ضوابط و مقررات مربوط به پیشنهاد شخص خیّر و موافقت اداره آموزش و پرورش تعیین می‌شود و تغییر آن نیز با موافقت کتبی شخص خیر مجاز خواهد بود.
۲- شخص خیّر عضو افتخاری انجمن اولیاء و مربیان مدرسه احداثی خود خواهدبود.

نامگذاری مدارس به شرط موافقت آموزش و پرورش

نامگذاری مدارس خیری طبق مصوبه های قانونی پس از موافقت آموزش و پرورش صورت می گیرد.
به گزارش حائر؛ طبق مصوبه سال ۱۳۸۰ شورای عالی آموزش و پرورش، اگرچه شخص خیر می‌تواند نام مدرسه را پیشنهاد دهد اما موافقت اداره آموزش و پرورش برای قطعی شدن نام پیشنهادی خیر کاملا لازم است.
بنابر این مصوبه مسئولیت نهایی نامگذاری یا تغییر نام هر آموزشگاهی در میبد با مدیران آموزش و پرورش میبد است و اینکه خیری در مورد تعیین نام مدرسه از لحاظ قانونی ارجحیت داشته باشد، مصوبه قانونی ندارد.

برای مطالعه خبر مرتبط به صفحه ۴ رجوع کنید

حجت الاسلام سید علی یحیی زاده

آیا می‌توان مردم را نسبت به چیزی که بد نمی‌دانند، نهی کرد؟

همیشه هستند افرادی که از با رجوع به مسائل دینی و با استفاده از منابع قرآنی نسبت به مسائل بدیهی دین اسلام شبهاتی را به وجود می آوردند، در یادداشت پیش روی شما، حجت الاسلام سید علی یحیی زاده به یکی از این شبهات مطرح شده با استدلال پاسخ می دهد؛

از جناب آقای مهدی نصیری در یک برنامه تلویزیونی پیرامون امر به معروف و نهی از منکر، چنین نقل شده است:
«چرا در قرآن گفته نشده امر به واجب و نهی از حرام؟ تا واجبی در تلقی مردم، «معروف» نشود و حرامی در فرهنگ عامه مردم «منکر» نشده، امر و نهیِ خاصیتی ندارد.»
قبلاً نیز از برخی چهره‌های شناخته‌شده، مطالبی با این سبک و سیاق، نقل شده است.
شاید از این بحث‌ها - هرچند مقصود گویندگانش این نباشد- این‌گونه برداشت شود که اگر در زمانی، گناهی در میان توده مردم، قبیح و زشت محسوب نشود، وظیفه نهی از منکر، وجود ندارد.
برای بررسی این مدّعا، توجه به چند نکته لازم است:
۱ / همان‌گونه که امام خمینی (قدّس سرّه) در اولین مسأله از بحث امر به معروف و نهی از منکر در کتاب تحریرالوسیله نوشته‌اند، امر به معروف و نهی از منکر، اختصاص به واجبات و گناهان ندارد؛ بلکه شامل مستحبات و مکروهات نیز می‌شود. البته امر به واجبات و نهی از گناهان، تکلیفی واجب است و امر به مستحبات و نهی از مکروهات، مستحب است.
پس ترویج مستحبات ازقبیل تلاش برای ترویج تلاوت قرآن در جامعه، دعوت به برگزاری مجالس توسّل به اهل بیت (علیهم‌السلام)، اقدام برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر پیاده‌روی اربعین، فراخوان برای اطعام مردم در عید غدیر، ترغیب به نماز شب و نوافل، تشویق افراد به گره‌گشایی از کار برادران ایمانی و ... همگی از مصادیق امر به معروف است.
بنابراین، توصیه قرآنی امر به معروف و نهی از منکر، اختصاص به واجب و حرام نداشته است و کاملاً بجا بوده که به جای امر به واجب و نهی از حرام، تعبیری به کار رود که فراتر از واجب و حرام را نیز دربرگیرد.
۲ / در زبان عربی، معنای واژه «معروف» با کاربرد آن در فارسی، تطابق کامل ندارد. راغب اصفهانی در کتاب مفردات ألفاظ القرآن می‌نویسد: «المعروفُ: اسمٌ لکلّ فعل یُعْرَفُ بالعقل أو الشّرع حسنه، و المُنْکَرُ: ما ینکر بهما.» یعنی: معروف، اسمی است برای هر عملی که به واسطه عقل یا شرع، نیک بودن آن، شناخته شود؛ و منکر چیزی است که از طریق عقل یا شرع، پذیرفته نشود و رد شود.
مکمّل بیان راغب اصفهانی، کلام ابوهلال عسکری در کتاب الفروق فی اللغهٔ است که می‌نویسد: «الفرق بین المعروف و المشهور أن المشهور هو المعروف عند الجماعهٔ الکبیرهٔ، و المعروف معروف و ان عرفه واحد یقال هذا معروف عند زید و لا یقال مشهور عند زید ولکن مشهور عند القوم» یعنی: تفاوت دو واژه «معروف» و «مشهور» در آن است که «مشهور» چیزی است که نزد جمعیّتی بزرگ، شناخته‌شده باشد؛ اما «معروف» به چیزی گفته می‌شود که حتی نزد یک نفر، شناخته‌شده باشد؛ بنابراین، مثلاً می‌توان گفت: این چیز، نزد فلان آقا معروف است؛ اما نمی‌توان گفت که آن چیز، نزد او مشهور است؛ بلکه باید گفت که نزد مردم، مشهور است.
پس اینکه گفته شود که امر به معروف یعنی امر به آنچه نزد عموم مردم، معروف و پسندیده باشد، ناشی از خلط بین معنای فارسی با معنای عربی کلمه است. معنای امر به معروف و نهی از منکر به زبان ساده، عبارت است از: امر به نیکی و نهی

از بدی. شهید مطهری در این خصوص در کتاب حماسه حسینی می‌فرمایند: «اسلام از باب اینکه نخواسته موضوع امر به معروف و نهی از منکر را به امور معین مثل عبادات، معاملات، اخلاقیات، محیط خانوادگی و ... محدود کند، کلمه عام آورده است: معروف، یعنی هر کار خیر و نیکی. امر به معروف لازم است. نقطه مقابلش: هر کار زشتی. نگفت شرک یا فسق یا غیبت یا دروغ یا نمیمه یا تفرقه‌اندازی یا ربا یا ریا، بلکه گفت: منکر؛ هرچه که زشت و پلید است.» (مجموعه آثار شهید مطهری، ج۱۷، ص۲۳۶)
۳ / البته این مطلب صحیح است که امر به معروف و نهی از منکر را باید به گونه‌ای انجام داد که اثربخش باشد و صرف اینکه انسان امر و نهیی بکند بدون آنکه مقدمات و زمینه‌های تأثیرگذاری آن را فراهم سازد، باعث ادای این تکلیف مهم نخواهد بود. رضوان و درود الهی بر استاد شهید مطهری که این نکته را به زیبایی و بدون آنکه سوء برداشتی از آن صورت گیرد، در بحث‌های خود مورد تأکید قرار داده‌اند:
«امر به معروف و نهی از منکر یک قانون تعبّدی مثل نماز یا روزه نیست که البته حکمت و فلسفه و اثری دارد ولی به ما مربوط نیست که ببینیم اگر اثرِ خودش را می‌بخشد انجام بدهیم و اگر اثر خودش را نمی‌بخشد انجام ندهیم. به ما گفته‌اند شما نماز را به هر حال باید بخوانید. این دراختیار تو نیست. تو نمی‌توانی حساب کنی که این نماز اثر دارد یا اثر ندارد. تو باید تحت این فرمول و قاعده بخوانی. اینکه این کار به نتیجه می‌رسد یا نمی‌رسد، از حوزه منطق بشر خارج است. ولی امر به معروف و نهی از منکر را بشر باید با منطق خودش اداره کند؛ یعنی همیشه در کارها باید روی آن نتیجه‌ای که باید بر آن مترتّب شود حساب کند. نیرو مصرف می‌کنی، مایه مصرف می‌کنی، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنی، ولی حساب کن ببین تو در این کار چقدر به نتیجه و هدف می‌رسی. مثل تاجری باش که وقتی سرمایه‌اش را خرج می‌کند، روی حساب (لااقل حساب احتمالات) می‌خواهد سودی که از این کار می‌برد بیش از سرمایه‌ای باشد که مصرف می‌کند، و این بسیار حرف منطقی‌ای است.» (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج۱۷، ص۳۰۳)
و می فرماید:
«فقها عموماً به استناد اخبار و احادیث گفته‌اند که یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر احتمال تأثیر است. احتمال اثر یعنی احتمال نتیجه دادن.
هر حکمی مصلحتی دارد؛ نماز مصلحتی دارد، روزه مصلحتی دارد، وضو مصلحتی، امر به معروف و نهی از منکر هم مصلحتی دارد. مصلحت این کار این است که طرف به سخن یا عمل ما ترتیب اثر بدهد. پس معنای احتمال تأثیر این است که احتمال بدهی مصلحت تشریع این حکم بر سخن یا عمل تو مترتب بشود.
حال از شما سؤال می‌کنم که چرا در مورد نماز نگفته‌اند اگر احتمال می‌دهی این نماز در تو اثر داشته باشد و آن مصلحتی که در نماز هست مترتب می‌شود بخوان، و اگر احتمال نمی‌دهی نخوان؟ و همچنین درباره وضو و روزه و حج و غیره. برای اینکه آنها تعبدی محض می‌باشند. ما نمی‌توانیم عقل خودمان را در کیفیت آنها و در اینکه باید بکنیم یا نباید بکنیم و چه جور بکنیم دخالت بدهیم. ولی امر به معروف و نهی از منکر از کارهایی است که ساختمان و کیفیت ترتیب آن و اینکه در کجا مفید است و به چه شکل مفید است و مؤثر است و بهتر ثمر می‌دهد و بار می‌دهد و نتیجه می‌دهد، همه را شارع در اختیار عقل ما و فکر ما و منطق ما گذاشته است.» (مجموعه‌آثاراستادشهیدمطهری، ج۲۰، ص۲۰۷)
«کلمه «معروف» شامل همه هدفهای مثبت اسلامی، و کلمه «منکر» شامل همه هدفهای منفی اسلامی می‌گردد، ولهذا با چنین تعبیر عامی آمده است. و اما امر به معروف و نهی از منکر گرچه با تعبیر امر و نهی است ولی به نصّ حدیث و فقه و تاریخ قطعی اسلامی، شامل هر وسیله مشروعی است که برای این هدفها بشود استفاده کرد و این ساختمان را نگه داشت و توسعه داد.»
(مجموعه‌آثاراستادشهیدمطهری،ج۱۷، ص۵۷۵)

حجت الاسلام علیرضا دهقانی

لازمه تحقق امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، اجرای شایسته آن است

امر به معروف و نهی از منکر در دوران کنونی، آنقدر مورد هجمه دشمن و بی مهری برخی از داخلی ها قرار گرفته است که تا نامی از آن ذکر می شود، احساس ناخوشایندی را برای مردم به وجود می آورد. اما این «واجب فراموش شده» را اگر بر مبنای صحیح آن در جامعه عملیاتی کرده و مطالبه کنیم، نه تنها موجب بروز اتفاقات ناهنجار نمی شود، بلکه باعث وحدت قلوب و نزدیکی مردم جامعه به هم نیز می شود. در ادامه برخی از تجربیات حجت الاسلام دکتر علیرضا دهقانی فیروزآبادی، استاد حوزه و دانشگاه را می خوانید؛

مقدمه:

«ایذاء» به عنوان اولی حرام است ولی اگر این عنوان، تغییر کند و اقدام صورت گرفته معنون به «امر به معروف و نهی از منکر شود» حکمی جدید متناسب با عنوان ثانوی پیدا می کند. بر اساس فتاوی مراجع عظام تقلید، در جریان انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر، باید متناسب با توان و مهارت خود به گونه ای رفتار کرد که ایذاء مخاطب، به سمت صفر میل پیدا کند و الا خود یک منکری است که باید مورد نهی قرار گیرد. تجربه نشان داده است آمرین و ناهین، هرچند به قاعده الاسهل فالاسهل وفادار باشند ولی در اکثر موارد، با قدری از ناراحتی مخاطب مواجه خواهند شد زیرا مخاطبی مورد امر یا نهی قرار گرفته است که عالما و عامدا و علنا دست به گناه زده است.

این باقیمانده نیز باید حتی الامکان تخفیف داده شود؛ لذا باید پیش و پس از امر و نهی، اقداماتی را انجام داد تا تیزی و تلخی قریب الوقوع و یا باقیمانده را دفع و یا رفع نماید. معنای این سخن این است که امر به معروف و نهی از منکر یک اقدام لحظه ای نمی باشد بلکه یک جریانی است که قبل از اقدام عملی شروع شده و احیانا پس از آن نیز باید استمرار یابد؛ همانند نقطه بینائی چشم که توسط کره چشم احاطه می شود. آنچه که می بیند و موضوعیت دارد همان نقطه میکرسکوپی است ولی اگر کره چشم نباشد نمی تواند کارآئی درستی داشته باشد.

خاطره:

به مکان جدیدی نقل مکان کردیم و در یک مجتمع مسکونی ساکن شدیم. لازم بود با همسایه های جدید، ارتباط خوبی برقرار کنیم؛ لذا در عین حال که به نماز جماعت مسجد محل صدمه ای وارد نمی شد در مجتمع مسکونی

> **صاحبخانه با نگاههای خشم آلود یک روحانی نجیب و مهربان که در همسایگی آنها زندگی می کرد و تازه از مراسم نماز جماعت آمده بود مواجه شد. نیاز به تذکر نبود. پیام واصل شد**

خودمان اقدام به برگزاری نماز جماعت در شب جمعه کردیم. رونق و تب و تابی برپا شد.

قبل از اینکه زمان اذان مغرب برسد بچه ها به حیاط مجتمع می آمدند، غرفه‌ها برپا می شد؛ هر کس هر کار هنری که در طول هفته انجام داده بود را ارائه می کرد؛ خانواده‌ها به بازدید از نمایشگاه فرزندانشان می آمدند. در کنار این نمایشگاه، کارگاه خلاقیت کودکان هم برپا بود؛ آنها در مقابل دیدگان والدین خود، بعضی از فعالیتهای هنری شان را در همان موقع، انجام می دادند. زمان اذان مغرب رسید. بعد از اذان، نماز مغرب و عشا به جماعت برگزار شد. قاعده بر این بود که بعد از نماز، همسایه ها با یکدیگر گفت و گو می کردند. پذیرایی با چای نیز انجام می شد. نیم ساعتی با هم می نشستیم و راجع به مسائل مختلف اعم از آنچه که مربوط به مجتمع مسکونی خودمان بود یا مسائل دیگر به گفتگو می پرداختیم، بعد هم از یکدیگر خداحافظی می کردیم و به منازل خود می رفتیم.

شب جمعه که خاطره مربوط به آن هست به همین روال طی شد. زمان خداحافظی فرا رسید؛ بلند شدم تا از همسایه ها خداحافظ کنم ولی یکی از آنها اصرار داشت که امشب قدری بیشتر به گفتگو ادامه دهیم. پذیرفتم ولی این سوال در ذهن ایجاد شد که چه رازی در پشت این اصرار وجود دارد. طبق موازین اسلامی باید با حسن ظن برخورد می کردم. قدری نشستم. مطلب مهمی مطرح نشد. مجددا خواستم بلند شوم ولی همان خواسته تکرار شد.

تردیدم بیشتر شد؛ نشستنِ بیش از آن، خلاف احتیاط بود. همینکه از حیاطِ مجتمع خارج شدم و درون ساختمان آمدم صدای آهنگهای حرامی بود که از یکی از واحدهای مسکونی به گوشم رسید. پارتی برگزار کرده بودند. پارتی به جشنی گفته می شود که همراه با گناه است و در آن مجلس، خط قرمزهای اسلام شکسته می شود. احتمالا صاحبخانه با بقیه هماهنگ کرده بود که مراسم نماز طولانی نمایند تا آن مجلس گناه به پایان برسد و اینجانب متوجه نشوم! باید نهی از منکر می کردم. قاعده الاسهل فالاسهل حکم می کرد که از نرم ترین روشها استفاده نمایم مشروط به اینکه مؤثر واقع شود. به بیرون از مجتمع آمدم؛ زنگ آیفون آن واحد را فشار دادم. کسی پاسخگو نبود مجبور شدم به درب منزل آنها بروم. زنگ زدم ولی آنقدر صدای مُطرب و آوازخوان و صداهای همراه با آن زیاد بود که کسی متوجه نمی‌شد.

مجبور شدم با مشت به درب خانه بکوبم. متوجه شدند. درب را باز کردند. صاحبخانه با نگاههای خشم آلود یک روحانی نجیب و مهربان که در همسایگی آنها زندگی می کرد و تازه از مراسم نماز جماعت آمده بود مواجه شد. نیاز به تذکر نبود. پیام واصل شد. مجلس فروکش کرد؛ اما عواقبی به همراه داشت. آن همسایه تا مدتها جواب سلام مرا نمی داد. هر احسان و مدارائی که به ایشان می کردم جواب نمی داد. وی تصمیم گرفته بود به مقاومت خود ادامه دهد. همواره با یک نگاه غضبناک به من نگاه می کرد. دلیل آن این بود که نهی از منکر شب جمعه، دارای یک تیزی و تلخی زیادی برای او بوده است که این میزان از ادب در گفتار و احسان و سلام و علیک نمی توانست آنرا از بین ببرد. باید یک کار دیگری انجام می دادم که اثر عمیق تری داشته باشد اما نمی دانستم چه باید بکنم.

یک شب، نیمه‌های شب بود از خواب بیدار شدم، صداهائی از پارکینگ ساختمان به گوشم می رسید. منزل ما نسبت به اکثر منازل، به پارکینگ مجتمع نزدیک تر بود. با همان لباس خانه بیرون آمدم. باید موضوع را بررسی می کردم؛ شاید سارقی مشغول سرقت خودروی یکی از همسایه ها باشد؛ گرچه بنده، دارای ماشین نبودم ولی حفظ و رعایت حقوق همسایه اقتضاء می‌کرد که بی تفاوت نباشم.

با همه خطراتی که می‌توانست مرا تهدید کند به داخل پارکینگ آمدم؛ همان همسایه را دیدم. او مشغول تعویض چرخ خودرو بود. به محض اینکه نگاهش به من افتاد گفت: «حاج آقا تشکر می‌کنم.»؛ او فرد باهوشی بود، به همین دلیل بلافاصله توانسته بود به این سؤال منقّش در ذهن خود که «چرا به پارکینگ آمده ام در عین حال که ضرر مالی متوجه من نبوده است» پاسخ دهد.

علی ای حال، همان چیزی که دنبالش بودم اتفاق افتاد؛ تلخی و تیزی نهی از منکرِ آن شب گرفته شد. حالا دیگر او سلام می کرد. یادم می آید یک روز، مسیری را پیاده طی می کردم؛ او توقف کرد و مرا سوار نمود و سعی کرد با برخوردهای صمیمی، جواب سلام ندادنهایش را جبران نماید.

ما به عنوان یک مسلمان نمی توانیم در مقابل گناه بی تفاوت باشیم؛ شرعا حق نداریم نهی از منکر که یک فریضه بزرگ الهی است را ترک نماییم؛ البته باید قاعده الاسهل فالاسهل را در هنگام اجراء بکار بگیریم و علاوه بر آن حتی الامکان، تیزی و تلخی قهری اقدامات خود را از بین ببریم. بدیهی است برای این اقدام مکمل نمی شود نسخه واحدی پیچید بلکه باید متناسب با شرایط و متناسب با امکاناتی که هر کسی در اختیار دارد و با توجه به میزان تیزی و تلخی که در نهی از منکر و یا امر به معروف وجود دارد عمل نمود.

توصیه:

از فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک واجب فراموش شده یاد می شود. احیاء آن دو اثر دارد: الف- واجب الهی اقامه می گردد؛ ب- شناسنامه این فریضه در اذهان مردم شکل می گیرد و ثبت می گردد. حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، ولایت فقیه را مطرح و عملیاتی نمودند و به قدری زیبا عمل کردند که خاطره خوشی از این عنوان فقهی در ذهن مردم نقش بسته است. در زمینه امر به معروف و نهی از منکر نیز باید چنین حالت خوشایندی پدید آید. درست و زیبا عمل کردن لازمه دستیابی به این غایت است. با ملاحظه نکته فوق، شایسته است برای از بین بردن تیزیِ قهری این فریضه، دغدغه داشته باشیم، آنگاه اندیشه کنیم، تجارب انباشته پیدا نماییم و کم کم به الگوهای قابل تعمیم دست پیدا کنیم. بدیهی است با اجرای فریضه در موقعیتهای متنوع و توسط افراد مختلف می توان به راهکار تعمیم پذیر نائل آمد. وانگهی شایسته است تمام تجارب نرم کننده تیزیها و تلخ زدا جمع آوری شود و مورد تحلیل قرار گیرد و کلیاتی که قابل پیاده سازی در موقعیت های مختلف است از آن استخراج گردد. تهیه الگو و یا ارائه نظریه برای میدانهای فرهنگی بکر، از این طریق امکان پذیر است.

> **ما به عنوان یک مسلمان نمی توانیم در مقابل گناه بی تفاوت باشیم؛ شرعا حق نداریم نهی از منکر که یک فریضه بزرگ الهی است را ترک نماییم**

ماهنامه فرهنگی اجتماعی حائر/ ویژه استان یزد
همکاران این شماره: حجت الاسلام دکتر علیرضا دهقانی/ حجت الاسلام سید علی یحیی زاده/ صابر آقایی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر سید مصطفی میرمحمدی میبدی
نشانی: میبد – خیابان طالقانی – روبروی مسجد حضرت امیرالمومنین (ع)

سردبیر و صفحه‌آرا: احمد کریمی

فنی و پشتیبانی: علی دهقانی فیروزآبادی
چاپ ریحان تهران

تاکید صریح آیت‌ا... اعرافی در جلسه شورای فرهنگ عمومی شهرستان میبد

تابلوی اردوگاه بنستان حتماً تعویض شود

آیت الله اعرافی در مورد حواشی تغییر نام یکی از مدارس میبد گفت: اینکه نام شهید زاهدی از سردر مدارس ما در میبد نباید حذف شود، یک اصل قطعی می باشد.

به گزارش ماهنامه حائر؛ سردبیر حائر در جلسه شورای فرهنگ عمومی صبح امروز با اشاره به اخبار و اطلاعات رسیده در مورد تغییر نام مدرسه زاهدی به مدرسه ایرانیان و حواشی ایجاد شده حول این موضوع، از آیت الله اعرافی درخواست ورود به این موضوع را کرد.

سردبیر حائر در مورد مسبوق به سابقه بودن تغییر نام برخی از اماکن مانند «اردوگاه آیت الله خامنه ای بنستان» به «اردوگاه بوم گردی دانش آموزی» اظهار داشت: این موضوع مورد مطالبه رهبر انقلاب است که نام های شهدا از متن جامعه حذف نشوند و نمادهای ایثار و شهادت در معرض چشم جامعه باشند.

محسن موحدی‌فر ریاست آموزش و پرورش میبد در مورد موضوع تغییر نام مدرسه زاهدی گفت: مدارسی که با کمک خیرین ساخته می شود اصولا به صورت قانونی هم امکان تغییر نام از طرف خیّر را دارند و آموزش و پرورش در این کار دخالتی ندارد، البته نام شهید زاهدی بر یکی از مدارس محله مهرجرد گذاشته خواهد شد و حذف نخواهد شد.

وی در مورد اردوگاه بنستان نیز گفت: این اردوگاه در تمام اسناد ثبت شده کشوری به نام اردوگاه آیت الله خامنه ای ثبت شده و فقط تابلوی ورودی این اردوگاه به نام اردوگاه بوم گردی دانش آموزی نام گذاری شده است.

آیت الله اعرافی در مورد تغییر نام مدرسه زاهدی تاکید کرد: شهید زاهدی یکی از شهدای بزرگ انقلاب است که مسافرت‌های مرحوم آیت الله ابراهیم اعرافی به ایرانشهر و دیدار مقام معظم رهبری در زمان تبعید با ماشین ایشان انجام گرفت که برگ زرینی بر خاطرات این شهر است، و حتی رهبر انقلاب نیز ده ها بار از این خاطره و دیدار با مرحوم پدرم به نیکی یاد کرده اند.

امام جمعه میبد افزود: اینکه نام شهید زاهدی نباید از سردر مدارس ما در میبد حذف شود یک اصل قطعی می باشد و در مورد تابلوی اردوگاه بنستان نیز این تابلو حتما تعویض شود و تابلوی جدیدی با نام آیت الله خامنه ای برای آن نصب شود.

تصویری زیبا از مراسم عزاداری عاشورای حسینی در حسینیه بزرگ فیروزآباد میبد
تصاویر، اخبار و تحلیل های خبری را در سایت میبدما دنبال کنید
meybodema.ir

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا حسنی

اختلاط زن و مرد در مراسم های عزاداری باعث تاسف است

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا حسنی امام جمعه موقت میبد در مراسم عزاداری سید و سالار شهیدان که در مهدیه امیرآباد برگزار شد، با اشاره به این نکته که اقامه نماز بزرگترین مانع ایجاد فساد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در جامعه است، گفت: یکی از موضوعاتی که این روزها دل مومنین را به در آورده است و طی تماس های مکرر به ما گفته می شود، حضور خانم های بی حجاب و با ظاهر نامناسب در کاروان ها و مراسم های عزاداری است.

حجت الاسلام حسنی با بیان این موضوع که میبدی یا غیرمیبدی بودن زنان بی حجاب مورد بحث نیست، تصریح کرد: برای میبد به عنوان یک شهر مذهبی که آمار بالای ۴۰۰ شهید را در خود دارد، بسیار زشت و تاسف‌آور است که به من گزارش بدهند در فلان حسینیه، زن و مرد به صورت مختلط در مراسم عزاداری شرکت می کنند.

وی با اشاره به این موضوع که بعد از انقلاب شرایط اقامه نماز به حد بسیار بهتری رسید، بیان داشت: هنوز هم انتظار بیشتری برای اقامه نماز در جامعه وجود دارد و این در حالی است که دولت ها با هر ایده و جناحی که بر سر کار آمدند متاسفانه نخواستند برخی موضوعات حل شود.

سخنران مراسم عزاداری مهدیه امیرآباد افزود: وقتی مسئولین در بدنه جامعه باید به دلایل عقلی و نقلی تابع محض ولایت فقیه باشند، تفکر سکولار حاکم می شود و به جای خدا، به کدخدا دلبستگی ایجاد می شود مطمئناً مسائل دینی و در رأس آنها نماز، نباید هم مورد توجه قرار گیرد.

وی با اشاره به جانفشانی شهدای جنگ تحمیلی، و شهدای مدافع حرم برای زنده ماندن دین اسلام و مدیون بودن مسئولین نظام به خون شهدا، گفت: باید زمینه حضور مردم در نمازهای جمعه و جماعت فراهم شود و کاری شود که نوجوانان و جوانان در مدارس و دانشگاه ها عاشق نماز شوند، نه اینکه در پی تحقق سند ۲۰۳۰ در برخی از استان های کشور باشند و توجهی به مسائل دینی نکنند.

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا حسنی اظهار داشت: پیام عاشورا و پیام حضرت سیدالشهدا(ع) این است که نماز را با همه شرایطش در جامعه اقامه کنیم، نه اینکه شرکت در مجلس عزای ایشان به قیمت سر بریدن و ضایع کردن نماز باشد و مسائل مهمی چون عفاف و حیا مورد غفلت واقع شود

حدیث — **موضوع: کربلا**

امام باقر علیه السلام:
اِنّ الحُسَینَ صاحِبَ کَربَلا قُتِلَ مَظلوما، مَکروبا عَطشانا، لَهفانا فَالَی اللّهُ عَزَّوَجَلّ عَلی نَفسِهِ اَن لا یاتیَهُ لَهفانٌ و لا مَکروبٌ و لا مُذنِبٌ و لا مَغمومٌ و لا عَطشانٌ و لا مَن بِهِ عاهَهٌ ثُمَّ دَعا عِندَهُ و تَقَرَّبَ بِالحُسَینِ بنِ عَلِیٍّ علیه السلام اِلَی اللّهِ عَزَّوَجَلَّ اِلاّ نَفَّسَ اللّهُ کُربَتَهُ وَ اَعطاهُ مَسأَلَتَهُ وَ غَفَرَ ذَنبَهُ وَ مَدَّ فی عُمُرِهِ وَ بَسَطَ فی رِزقِهِ فَاعتَبِروا یا اُولِی الاَبصار؛

حسین، بزرگ مرد کربلا، مظلوم و رنجیده خاطر و لب تشنه و مصیب زده به شهادت رسید. پس خداوند، به ذات خود، قسم یاد کرد که هیچ مصیبت زده و رنجیده خاطر و گنهکار و اندوهناک و تشنه ای و هیچ بَلا دیده ای به خدا روی نمی آورد و نزد قبر حسین علیه السلام دعا نمی کند و آن حضرت را به درگاه خدا شفیع نمی سازد، مگر این‌که خداوند، اندوهش را برطرف و حاجاتش را برآورده می کند و گناهش را می بخشد و عمرش را طولانی و روزی اش را گسترده می سازد. پس ای اهل بینش، درس بگیرید!

مستدرک الوسایل و مستنبط المسایل ج۱۰ ، ص۲۳۹
بحارالأنوار(ط-بیروت) ج ۹۸، ص ۴۶، ح ۵

برداشت شما از این دو ماموریت چیست؟

یکم: ساعت ۱۰ونیم شب. خانم ۳۵ ساله ای اهل یکی از استان های جنوب کشور که پس از مجلس روضه خوانی زنانه در منزلشان و توزیع غذای نذری دچار درد شدید در کمر شده است. خانواده وی برخوردی بسیار مودبانه با ما دارند، نگران بیمارشان هستند، پروانه وار دورش میچرخند و برایش دلسوزی می کنند. خدا را شکر با دارو مشکل رفع شد.

دوم: ساعت ۲ شب . اقای ۳۸ ساله ای در نقطه ای دیگر از میبد و اهل همان استانِ ماموریتِ اول اما بدون هیچ رابطه و نسبتی. پس از مصرف بیش از حد مشروبات الکلی دچار مستی، بیقراری و عدم اگاهی و شعور شده. همسرش پس از چند دقیقه وی را «لعنتی» صدا میزند و حتی وقتی بیمار، خود را با حالت درازکش به زمین میزند و مکررا سرش را به کف اتاق موکت شده میکوبد، شریک زندگی اش داد میزند و میگوید: «نکن گفتم» . سپس با پرخاشگری سعی در آرام کردنش دارد اما سودی ندارد. با وضعیت بیقراری بیمار که حاضر به هیچ همکاری برای اقدام درمانی نبود، تنها راه حل این بیمار صبر کردن و رفع خطر از او به مدت چند ساعت تا دفع شدن یا متابولیزه شدن و رفع اثر مشروب الکلی مصرفی شده است.

صابر آقایی میبدی/ تکنسین اورژانس میبد